

جایگاه خاندان دشتکی شیراز در تفسیر شیعه

زهرة معارف^۱

چکیده

ضرورت شناخت تراث و میراث شیعه بر کسی پوشیده نیست. استان فارس و دارالعلم شیراز؛ سومین حرم اهل بیت (علیهم السلام) در طول تاریخ، علما و بزرگان نامداری را در دل خویش پرورانده است. تبیین جایگاه مفاخر تفسیری شیعی، نقش تمدن ساز شیعه را در اعصار متمادی در این حوزه روشن می‌نماید. با کاوش در تاریخی به پهنای ۱۵ قرن، و شناسایی آثار ایشان در مدرسه تفسیری استان فارس، با خاندان شیعی دشتکی آشنا شدیم. آثار بی‌شمار و گرانسنگ این خاندان در رشته‌های مختلف، توجه اندیشمندان را به خود جلب کرده است. هدف نوشتار آن است که با رویکرد توصیفی تحلیلی، و روش کتابخانه‌ای با نگاه شبکه‌ای به تبیین نقش و جایگاه خاندان دشتکی شیراز در تفسیر شیعه و معرفی خدمات تفسیری و منهج تفسیری ایشان بپردازد. رهیافت پژوهش آن است که خاندان دشتکی، با بیشترین مفسر و آثار تفسیری، فعال‌ترین خاندان در حوزه مدرسه تفسیری فارس به شمار می‌روند. در آثار تفسیری خاندان دشتکی، تک نگاری‌های سوره و آیه؛ همچنین حاشیه، تعلیق و تصحیح و چاپ نسخ خطی چشم‌نوازی می‌نماید. شایان ذکر است که گرایش تفسیری مفسران این خاندان به فلسفه و عرفان، ایشان را از ابعاد دیگری چون، تفسیر اخلاقی و کلامی و ادبی و علمی کتاب آسمانی غافل نکرده است. این بزرگان در منهج تفسیری در کنار آیات و روایات، از منابع دیگری نیز بهره برده‌اند.

واژگان کلیدی: تفسیر شیعه، خاندان دشتکی، شیراز

مقدمه

ضرورت شناخت تراث و میراث شیعه، ما را بر آن داشت تا میراث گرانسنگ تفسیری خاندانی مشهور و فعال در عرصه تفسیر را مورد بررسی و تحلیل قرار دهیم. هدف از این نوشتار آن است که جایگاه خاندان دشتکی در تفسیر شیعه، و خدمات تفسیری این خاندان، به جهان اسلام معرفی گردد. و منتهج تفسیری این بزرگان مورد کنکاش قرار گیرد. خاندان سادات جلیله دشتکی از قرن پنجم به شیراز آمده و فرزندان آنان در طی قرون بعدی، خانواده معروفی را [در محله دشتک شیراز] تشکیل داده اند. (حسینی فسائی، ۱۳۶۷، ج ۲، ۱۰۳۸) نسب ایشان به زید بن علی بن الحسین (علیه‌السلام) می‌رسد. (حسینی فسائی، ۱۳۶۷، ج ۲، ۱۱۴۲، ۱۰۳۵-۱۰۳۶؛ الحسینی القمی، ۱۳۸۳، ج ۱، ۲۹۶) از خاندان سادات دشتکی رجال نامداری برخاسته و در نواحی مختلف به علم و ادب و سیاست و تقوا شهرت یافته‌اند. گروهی همانند میرزا محمد معصوم دشتکی شیرازی در مکه می‌زیستند. (حسینی فسائی، ۱۳۶۷، ج ۱، ۱۳) ایشان فرزند نظام‌الدین احمد علامه از اعظام فضلا و علما بوده که در مکه معظمه می‌زیسته و چندین سال در مسجد الحرام، به طلاب علوم دینی، کتابهای فقه مذاهب پنجگانه و تفسیر و کلام تدریس می‌کرده و به تقریب مذاهب در میانه اهل سنت و جماعت حجاز و اهل مذهب جعفری می‌پرداخته، ایشان در سال ۱۰۳۲ در گذشته است. (حسینی فسائی، ۱۳۶۷، ج ۱، ۲۳) جماعتی چون نظام‌الدین احمد که به حیدرآباد دکن رفتند و هنوز بازماندگان آنها در آنجا اقامت دارند. گروهی در شیراز متوطن بودند که یا اصالتاً در این شهر اقامت داشتند و یا چون سید علی خان (حسینی فسائی، ۱۳۶۷، ج ۱، ۲۴) پس از حدود ۴۸ سال اقامت در مکه و هند به شیراز باز آمدند و به تدریس در مدرسه منصوریه پرداختند. سید علی خان می‌نویسد: اول کسی که از خاندان من در شیراز اقامت گزید، علی ابو سعید نصیبی است. (حسینی فسائی، ۱۳۶۷، ج ۱، ۱۳) جماعتی از افراد این خاندان که اکثر از اولاد سید علی خان بودند به فسا رفتند. (حسینی فسائی، ۱۳۶۷، ج ۱، ۱۳) آقا بزرگ، در معرفی خاندان دشتکی، ایشان را از بیت علم و ثروت در شیراز در قرون نهم و دهم برشمرده است. (آقا بزرگ تهرانی، بی تا، ج ۴، ۲۱۹) رجال خاندان سادات دشتکی شیراز، علاوه بر آنکه در پهنه علم و ادب، تألیفات و تصنیفات فراوان دارند، در پهنه سیاست فارس و ایران نیز، در ادوار مختلف، صاحب منصب بوده‌اند. (حسینی فسائی، ۱۳۶۷، ج ۱، ۱۴) خاندان دشتکی خدمات تفسیری بسیاری داشته و در این زمینه، آثار ارزشمندی از خویش برجای نهاده‌اند. این نوشتار به شناسایی و معرفی ۵ تن از فعالان تفسیری این خاندان، و کاوش در آثار تفسیری ایشان و تبیین جایگاه این

خاندان در تفسیر شیعه، پرداخته است.

پیشینه تحقیق:

درباره این خاندان و آثار ایشان، در کتب تراجم به طور پراکنده مطالبی آمده است. میرزا حسن فسایی (۱۳۶۷) در کتاب فارسنامه ناصری (۱۳۶۷)، به این خاندان اشاره کرده است و درباره زندگینامه و آثار ایشان مطالب سودمندی آورده است. این کتاب از آنجا که متعلق به یکی از منسوبین خاندان دشتکی است، بسیار حائز اهمیت می‌باشد. عبدالله نورانی (۱۳۸۶) در کتاب «مصنفات غیاث الدین منصور حسینی دشتکی شیرازی» به معرفی آثار یکی از بزرگان خاندان دشتکی اهتمام ورزیده است. و نویسنده مقاله حاضر (۱۳۹۸) در کتاب «تفسیر و مفسران مدرسه تفسیری فارس» به معرفی و بررسی آثار تفسیری مفسران استان فارس، در طول ۱۵ قرن پرداخته است. و در بین بیش از ۱۱۰ مفسر با این خاندان فعال تفسیری آشنا شده است. در این مقاله برای اولین بار فعالان تفسیری خاندان دشتکی به عنوان خاندانی اثرگذار در حوزه تفسیر، در کنار یکدیگر معرفی شده‌اند و آثار تفسیری ایشان با نگاه شبکه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است. این نوشتار با رویکرد توصیفی تحلیلی، با روش کتابخانه‌ای در پی یافتن پاسخ این سؤالات: خاندان دشتکی شیراز، در تفسیر شیعه چه جایگاهی دارند؟، شاخصه‌های تفسیری این خاندان چیست؟، ایشان چه روشی را در تفسیر اتخاذ کردند؟ می‌باشد.

۱- ابوالمعالی محمد صدر الدین ثالث

۱-۱- زندگینامه

ابوالمعالی محمد صدرالدین، بزرگ خاندان دشتکی، یکی از مفسران شیعی مدرسه تفسیری فارس است. امیر صدرالدین محمد دشتکی؛ پدر امیر غیاث‌الدین منصور [دوم]، علامه زمان و استاد ارباب الحکم بود و به قول مجالس‌المؤمنین کنیه وی ابوالمعالی و لقب او صدرالعلما و صدرالحقیقه بود. (حسینی فسائی، ۱۳۶۷، ج ۱، ۲۳) از ایشان به صدرالدین کبیر، سیدالحکماء، صدرالحکماء، سیدالمدققین، سید السند و یا السیدالسناد نیز یاد می‌شود. (دشتکی شیرازی، ۱۳۸۱، ۳۴؛ القمی، ۱۳۶۸، ج ۲، ۴۱۱) وی اول کسی است که از مطالعه کتب مملو از احادیث موضوع و ضعیف اجتناب کرده و متوجه علوم کلامی و حکمی گشته، به مرتبه اعظم حکما و متکلمین رسیده است. (حسینی فسائی، ۱۳۶۷، ج ۱، ۲۳) ایشان اندیشه‌هایی نو و افکاری تازه و بکر ارائه کرده که در کتب پیشین سابقه نداشته است. (دشتکی شیرازی، ۱۳۸۱، ۳۵) کتب

تراجم و فهرس، از ۱۶ اثر که قطعاً تألیف سید سند می‌باشد نام برده‌اند. (دشتکی شیرازی، ۱۳۸۱، ۴۷ - ۴۶) قاضی شوشتری نیز ابوالمعالی را در کتاب خویش معرفی کرده و به آثار ایشان، از جمله حاشیه بر تفسیر کشف پرداخته است. (شوشتری، ۱۳۷۷، ۲۲۹-۳۳۰) سید سند چنانکه فرزندش غیاث الدین منصور، در شرح رساله اثبات الواجب تعالی وی آورده، در روز دوم شعبان سال ۸۲۸ در محله دشتک شیراز متولد شد، و در دوازدهم رمضان سال ۹۰۳ در هفتاد و پنج سالگی به دست طایفه ترکمان بایندریه، به شهادت رسید. (شوشتری، ۱۳۷۷، ۳۵؛ القمی، ۱۳۶۸، ج ۲، ۴۱۱) و در صفا شمالی مدرسه منصوریه شیراز مدفون گشت. شایان ذکر است که عمارت منصوریه شیراز، در سال ۸۹۳ به دست سید سند ساخته شده و ایشان چندین ملک بر آن وقف کرده است. (حسینی فسائی، ۱۳۶۷، ج ۱، ۲۳) این عمارت با نام حوزه علمیه منصوریه، همچنان پذیرای طلاب علوم دینی است.

۲-۱- معرفی اثر تفسیری «الحاشیة علی تفسیر الکشاف»

ابوالمعالی محمد صدرالدین با حاشیه بر تفسیر کشف زمخشری، نام خویش را در بین مفسران شیعه مدرسه تفسیری فارس ثبت نمود. در معرفی این اثر آمده است: «الحاشیة علی تفسیر الکشاف، اثر ابوالمعالی محمد صدر الدین ثالث (۸۲۸-۹۰۳ ق) فرزند غیاث‌الدین منصور اول حسینی دشتکی شیرازی، از فلاسفه و اکابر امامیه. این اثر حواشی و تعلیقات دشتکی بر تفسیر الکشاف تألیف جارالله زمخشری (م ۵۲۸ ق) می‌باشد که با مذاق فلسفی خویش نگاشته است. نسخه‌ای از این حاشیه در کتابخانه سلطان سلیمان خان عثمانی در استانبول محفوظ است و در فهرست این کتابخانه ضبط است. فرزندش امیر غیاث‌الدین منصور (م ۹۴۸ ق) نیز دارای تفسیر حاشیه بر کشف می‌باشد.» (شهیدی صالحی، ۱۳۸۱، ۱۸۵)

۲- غیاث‌الدین، منصور دشتکی شیرازی

۲-۱- زندگینامه

غیاث‌الدین منصور دشتکی شیرازی، همچون پدر گرانقدر خویش، یکی از چهره‌های درخشان علمی در شیراز است. «امیر غیاث‌الدین منصور بن صدرالدین محمد بن ابراهیم بن محمد بن اسحق بن علی بن عربشاه حسینی دشتکی فارسی، دانشمند و فیلسوف ایرانی است. (حسینی فسائی، ۱۳۶۷، ج ۱، ۲۱) وی فرزند بزرگ و وارث منصب علمی و کرسی درس صدرالدین محمد دشتکی (سیدسند) بود. (دشتکی شیرازی، ۱۳۸۱، ۶۷) وی جامع معقول و منقول و دانای فروع و اصول بود و در کلام و فقه دست داشت.

در سال ۸۶۶ هجری در [محل دشتک] شیراز متولد شد و در ۱۴ سالگی داعیه جدل و مناظره با علامه دوانی در مطالب علمی داشت و در ۲۰ سالگی از تحصیل علوم فراغت یافت. در سال ۹۳۶ هجری، در عهد سلطنت شاه طهماسب صفوی به صدارت نائل آمد و «صدر صدور ممالک» لقب یافت و عاقبت در نتیجه بعض مباحثات علمی در محضر سلطان با شیخ علی محقق کرکی، از صدارت استعفا داد و به شیراز رفت و در آنجا اقامت گزید. او بعد از آن، غیاث‌الدین بقیه عمر را به تحقیق و تألیف و تدریس در مدرسه منصوریه که پدرش به نام او بنا نهاده بود گذراند. (حسینی فسائی، ۱۳۶۷، ج ۲، ۱۲۲۰) وی در ۹۴۸ یا ۹۴۹ در شیراز درگذشت (شوشتری، ۱۳۷۷، ج ۲، ۲۳۰؛ البابانی البغدادی، بی تا، ج ۳، ۵۰؛ حاجی خلیفه، ۹۴۱ م، ج ۱۳، ۱۹) البته مدرس تبریزی بین ۹۴۰ و ۹۴۸ و ۹۴۹ مردد است. (مدرس تبریزی، ۱۳۷۴، ج ۴، ۲۶۰-۲۵۸) غیاث‌الدین منصور در جوار مزار پدرش در مدرسه منصوریه شیراز، (شوشتری، ۱۳۷۷، ج ۲، ۲۳۳؛ ج ۱، ۳۹۶) در صفا شمالی مسجد شبستان مدرسه منصوریه به خاک سپرده شد. (حسینی فسائی، ۱۳۶۷، ج ۱، ۲۳) از ویژگیهای شخصیت علمی غیاث‌الدین دشتکی شیرازی، جامعیت اوست. وی در فلسفه، کلام، تفسیر، فقه و اصول، ریاضیات، طبیعیات، طب، هیئت و نجوم، عرفان و اخلاق و حتی در علوم غریبه صاحب نظر بوده و در هر کدام از آنها آثاری از خود به جا گذاشته است. به همین سبب، وی را جامع معقول و منقول، استاد بشر، معلم ثالث و عقل حادی عشر خوانده‌اند. (الحسینی القمی، ۱۳۸۳، ج ۱، ۲۹۶؛ حسینی فسائی، ۱۳۶۷، ج ۲، ۱۱۴۱ و ج ۱، ۲۱؛ صفا، ۱۳۵۵، ج ۵، ۲۹۹) غیاث‌الدین شاگردان بسیاری تربیت کرد که هر کدام از نخبه‌های علمی این مرز و بوم به شمار می‌روند، افرادی چون: مصلح‌الدین لاری (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۳، ۲۹۱)، تقی‌الدین ابوالخیر محمد بن محمد فارسی (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۲، ۱۱-۹ و ج ۱۵، ۲۵ و ج ۷، ۶۷)، وجیه‌الدین سلیمان القاری الفارسی (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۲، ۲۲۱)، شیخ شهاب‌الدین علی دانیالی فسوی (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۵، ۲۶۰)، فخرالدین محمد بن حسین استرآبادی (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱، ۳۱ و ۹۹؛ ج ۲، ۸۶)، کمال‌الدین حسین بن شرف‌الدین عبدالحق اردبیلی (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۲، ۹۲)، شیخ احمد جمال‌الدین خلخالی (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۹، ۲۰۳ و ۸۴۸)، میر قوام‌الدین شیرازی (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱، ۸۹)، شیخ نصرالبیان انصاری، (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ص ۹۷)، مولی محمد نصرالله معمائی (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ص ۹۷)، میرزا شرف جهان قزوینی (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ص ۹۷)، میرزا قاسم گنابادی (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۷، ۲۶۲؛ ج ۹، ۸۶۶)، کمال‌الدین حسین ضمیری اصفهانی، مقصود

کاشانی (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۹، ۱۰۹).

۲-۲- آثار تفسیری غیاث‌الدین، منصور دشتکی شیرازی

غیاث‌الدین منصور با تک نگار تفسیری یک سوره، دو اثر تک نگار تفسیری آیه، دو اثر تفسیر موضوعی و حاشیه بر تفسیر کشاف، یکی از مفسران شیعی بسیار فعال مدرسه تفسیری استان فارس به شمار می‌رود.

۲-۲-۱- مطلع العرفان فی تفسیر القرآن

رساله‌های تفسیری غیاث‌الدین منصور دشتکی، در مجموعه ای تحت عنوان مطلع العرفان فی تفسیر القرآن (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۲۱، ۱۵۶) معرفی شده است. این مجموعه شامل ۴ رساله شناخته شده، به شرح زیر است. (برگرفته از: نورانی، ۱۳۸۶، ج اول، کتاب دهم، ۲۹۹)

- تفسیر سوره انسان، معروف به «تحفه الفتی فی تفسیر هل اُتی»

- تفسیر آیه «أفلا یتدبرون القرآن»

- تفسیر آیه اول سوره مبارکه اسراء

- تفسیر حروف مقطعه، در ابتدای بعضی سور

۱-۲-۲-۱- تفسیر «تحفه الفتی فی تفسیر هل اُتی»

غیاث‌الدین صاحب تک نگار تفسیری سوره انسان است. با توجه به نسخه عربی این رساله «تحفه الفتی

فی تفسیر هل اُتی» (نورانی، ۱۳۸۶، ۳۴۶-۲۹۹) اینک به روش شناسی آن می‌پردازیم:

غیاث‌الدین منصور دشتکی در این رساله به تفسیر سوره انسان پرداخته است. خطبه این رساله، از معرفت و شناخت حال انسان در دو منشأ جسمانی و روحانی بحث کرده و اصل رساله در ۲۶ مشرق به تفسیر آیات پرداخته است. معمولاً شیوه کار در تفسیر آیات در هر مشرق، بدین صورت است که مفردات آیه مورد بررسی قرار گرفته و موارد نحوی بیان شده است. نظر دیگر لغویون و مفسران ذکر شده و در صورت نیاز مورد نقد و بررسی قرار گرفته و سپس غیاث‌الدین نظر تفسیری خود را بیان نموده است. ایشان از دیگر احتمالات ممکن نیز غفلت نورزیده و آنها را ذکر کرده و بسیار متقن مورد نقد و بررسی قرار داده و به اشکالات محتمل پاسخ داده است. غیاث‌الدین با طرح بطلان تناسخ و ازلیت در مشرق اول

و بررسی عقول چهارگانه در مشرق دوم و بهره گیری از قول ابن سینا و قطب‌الدین رازی، و با استفاده از کتاب اشارات ابن سینا، تفسیر را وارد بحث فلسفی کرده و در اصل، رساله شکل تفسیر فلسفی به خود گرفته و تا آخر در همین قالب مانده است. البته اشارات عرفانی هم زینت بخش این رساله است. ایشان غالباً با ذکر «اقول» و «فنقول» و «اللاظهر عندی» نظرات خود را بیان داشته و در پایان هر مشرق، در قالب تنبیه و تذکر، نکات مهم را به اجمال ذکر نموده است.

بهره‌گیری از موارد زیر در تفسیر تحفه‌الفتی مشهود است:

- استناد به آیات، به طوری که شاید بتوان تفسیر ایشان را تفسیر قرآن به قرآن نامید. ایشان در مشرق دوم بر حسب نیاز، به تفسیر ۳ صفحه‌ای از سوره نور پرداخته است. به علاوه استناد به بیش از ۳۰ آیه برای سوره‌ای همانند انسان، شاهد این ادعاست.

- استناد به حدیث

- استناد به شعر عربی و فارسی

- استناد به نظر دیگر مفسرین، لغویون، نحویون (ابن عباس، جارالله زمخشری، ابن مسعود، حسن، قتاده، فرآء، اخفش، واحدی، امامیه، غزالی...)

- استناد به قول حکماء (جالینوس) و اهل عرفان و ..

- بهره‌گیری از شأن نزول آیه (مانند مشرق هفتم)

- بهره‌گیری از تفسیر علمی آیه (مشرق دوم) که با توجه به تبصر پزشکی و آثار ایشان در این زمینه، بر غنای تفسیر افزوده است.

شایان ذکر است که برخی (شاهرودی، ۱۳۸۳، ۵۲۹) تفسیر تحفه‌الفتی را از تک نگاری‌های مشحون از اشارات فلسفی و عرفانی (البته با غلبه صبغه فلسفی) دانسته و نظر به نفوذ اشراق در فلسفه این دوره و تمایل مؤلف به عرفان و تصوف، این تفسیر را در رده تفاسیر عرفانی به شمار آورده‌اند. این رساله به فرموده آقا بزرگ، تفسیری فشرده و موجز و سرشار از اشارات فلسفی و عرفانی، توأم با تحقیقاتی لطیف و مباحثی شریف است. (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۴، ۳۴۴) شایان ذکر است که صدرالدین محمد دشتکی فرزند غیاث‌الدین، قسمتی از مناجات آخر این کتاب را در «الذکری» نقل نموده است. (شهیدی صالحی،

۱۳۸۱، ۱۹۹)

برخی نیز در معرفی تفسیر دشتکی آورده‌اند: تفسیر دشتکی، اثر غیاث‌الدین منصور ثانی (م ۹۴۸ ق) فرزند صدرالدین محمد ثالث دشتکی شیرازی معروف به غیاث‌الحکماء است. در شرح و بیان بعضی از آیات قرآن است که دشتکی آنها را انتخاب و یا آراء فلسفی خویش شرح کرده است. نسخه‌ای از این تفسیر در کتابخانه جعفریه مدرسه هندی در کربلا موجود است. شیخ آقا بزرگ در الذریعه به نسخه دیگری در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی اشاره کرده است. و احتمال یکی بودن آن را با تفسیر دیگر مفسر یعنی تفسیر سوره هل اُتی داده است. (شهیدی صالحی، ۱۳۸۱، ۱۹۸) اعیان‌الشیعه نیز در بین آثار غیاث-الدین منصور به این تفسیر اشاره کرده است. (الامین، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ۱۴۱)

نسخ موجود: نسخه متعلق به کتابخانه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران به شماره ۷۵۸د و شماره میکرو فیلم، ۷۰۱۰؛ نسخه متعلق به کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران به شماره ۷۲۲۴، و شماره میکرو فیلم ۷۵۵۴؛ نسخه مجموعه رسائلی متعلق به کتابخانه ملی تبریز به شماره ۳۵۷۵ (دفتر ۱۲۳۹)؛ نسخه متعلق به کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران به شماره ۸۰ و شماره میکرو فیلم ۷۲۲۲؛ نسخه خطی متعلق به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۱۰۳۵ که فاقد نام نویسنده و مؤلف است. (دشتکی شیرازی، ۱۳۸۱، ۸۷-۸۵)

۲-۱-۲-۲- رساله‌ای در تفسیر آیه «افلا یتدبرون القرآن...»

غیاث‌الدین صاحب تک نگار تفسیری آیه ۸۲ سوره نساء است. با توجه به نسخه عربی این رساله (نورانی، ۱۳۸۶، ۳۴۹ - ۳۴۷) نگارنده این چنین به روش‌شناسی می‌پردازد.

غیاث‌الدین در این رساله سه صفحه‌ای، به تفسیر آیه ۸۲ سوره نساء پرداخته است. ابتدا قول علماء بر صدق نبی (صلوات الله علیه و آله) از سه جهت بیان شده و در ادامه ۳ وجه را از قول ابوبکر‌الأصم و اکثر متکلمین و ابومسلم اصفهانی بیان کرده و مورد نقد و مناقشه قرار داده و وجوه دیگر تفسیر آیه را ذکر کرده است. غیاث‌الدین در این رساله در تفسیر آیه «افلا یتدبرون القرآن...» به گفته دانشمندان در مورد دلالت قرآن بر راستگویی پیامبر اشاره کرده است. و در تفسیر نظر این دسته از دانشمندان، وجوه ذکر شده از ابوبکر اصم و بیشتر متکلمان و نظر ابو مسلم اصفهانی را بیان می‌نماید. و بعد دیدگاه خود را بیان داشته و قصور و مناقشات هر دیدگاه را گوشزد می‌نماید. سپس به وجوه دیگری را که می‌توان آیه را طبق آن تفسیر کرد، آورده است. غیاث‌الدین خود در ابتدای رساله تفسیری خود، تصریح نموده که این

رساله مختصر در اثبات دلالت قرآن مجید بر صدق نبوت پیامبر (صلوات الله علیه و آله) نوشته شده است. وی با تفسیر آیه مذکور به خوبی به این مهم دست یافته است. پس تفسیر به شیوه کلامی است.

نسخ موجود: «... گویا نسخه منحصر به فرد این رساله به ضمیمه اثر دیگری از همین مؤلف با عنوان اخلاق منصورى به عربى (الحكمة العملية) به شماره عمومي ۳۴۵۶ در کتابخانه آستان قدس رضوی، به تاریخ وقف ۱۰۶۷ هـ ق، نگهداری می شود. هر دو رساله در ۱۶ برگ به خط نستعلیق شکسته و ۱۹ سطری است. همه این رساله در دو برگ به خط کاتبی به نام محمد بن محمود بن مسعود بن محمود بن مسعود بن یحیی الهاشمی الحسینی الکاظمی در ذیقعه ۹۴۹ ق تحریر شده است. البته کاتب خود را در پایان رساله تفسیری معرفی نکرده، بلکه در پایان رساله عربی اخلاق منصورى نام و نشان خود را آورده است.» (پشتدار، ۱۳۸۳، ۹۷ - ۸۱)

۳-۱-۲-۲ رساله در تفسیر آیه اول سوره اسراء

تک نگاری دیگر غیاث الدین، تفسیر آیه اول سوره مبارکه اسراء است. با توجه به نسخه عربی این رساله (نورانی، ۱۳۸۶، ۳۷۴-۳۵۷). به روش شناسی آن می پردازیم:

این رساله در ۱۸ صفحه تنظیم شده است. در مقدمه پس از حمد و ثنای الهی، آیات سوره نجم (ثم دنی فتدلی* فکان قاب قوسین او أدنی) (نجم/ ۹-۸) ذکر شده، که بسیار متناسب با تفسیر آیه اول سوره مبارکه اسراء است. و سپس اینچنین آمده است: «يقول الفقير غياث المشهور بمنصور: ان هذه رساله من رسائل مطلع العرفان التي نظمتها و رصفتها تفسير الآيات من القرآن الكريم والفرقان العظيم. و في هذه الرسالة تفسير آیه کریمه من سوره بنی اسرائیل و هی سوره اسراء و هی قواه تعالی «سبحان الذی اسرى..... بصیر» فیها ابانه لحقیه المعراج الجسمانی و انه فی الیقظه بلا تأویل.

پس از مقدمه، رساله در دو فصل تنظیم شده است. فصل اول به تفسیر آیه پرداخته و لغات مورد بررسی قرار گرفته و نظر اهل لغت بیان شده و به موارد نحوی آیه توجه شده است. نظر رازی بیان شده و مورد نقد و مناقشه قرار گرفته است. غیاث الدین از ذکر دیگر شبهات نیز غافل نبوده و آنها را مورد مناقشه قرار داده و سپس نظر خود را با ذکر «اقول» بیان کرده است. ایشان نظر مفسران را در تفسیر لغت «برکت»، بیان داشته و نظر خود را آورده است. و نقل صاحب کشاف را از انس، در مورد زمان رویداد معراج بیان کرده و دیگر نظرات را با «قیل» ذکر کرده است. در ادامه موارد اختلافی مکان رویداد را آورده و در آخر

با کلمه «اقول»، نظر خویش را بیان کرده است. در فصل دوم، به ذکر شش روایت درباره حکایت معراج پیامبر (صلوات الله علیه و آله) پرداخته و سپس لغات موجود در روایات را شرح داده و در ادامه به دفع توهمات و استبعادات و بیان اختلافات پرداخته و به شیوایی به آنها پاسخ داده است. در پایان در چهار باب، به امکان معراج جسمانی، ردّ شبهات منکران و استبعاد مستعبدان، تقریر وقوع معراج و کیفیت آن، و مشاهدات پیامبر (صلوات الله علیه و آله) در شب معراج پرداخته است.

نسخ موجود: در فهرست نسخ خطی دانشگاه تهران نیز دو نسخه از این رساله به شماره ۶۲۱۷/۹ و ۷۵۸/۱۸ در دانشکده الهیات موجود است. (پشتدار، ۹۷-۸۱)

۴-۱-۲- رساله‌ای در تفسیر حروف مقطعه اوائل سور

یکی دیگر از آثار تفسیری غیاث‌الدین منصور، رساله‌ای موضوعی در تفسیر حروف مقطعه است. با توجه به نسخه این رساله (نورانی، ۱۳۸۶، ۳۵۶ - ۳۵۰)، به روش شناسی آن می‌پردازیم:

این رساله با عنوان عربی «رساله فی تفسیر الحروف المعجمه فی اوائل السور» ذکر شده و در ابتدای رساله چنین آمده است: «الرساله الثانيه من الجمله الثانيه من مطلع العرفان لبیان معارف التبیان مما الفه الفقیر الحقیق غیاث‌الدین المشهور بمنصور فی تفسیر الحروف المعجمه الوارده فی اوائل السور». این رساله در ۷ صفحه تنظیم شده و به بیان ۲۶ قول (امام علی علیه‌السلام، اکثر متکلمین که انتخاب خلیل و سیبویه هم هست، کلبی، سدی قتاده، ابن عباس، محمد بن کعب القرطبی، بعض صوفیه، میرد و جمّ غفیر، عزیز بن یحیی، فرزدق و قطرب، ابی العالیه، اخفش، قاضی المارودی، روایت ابوالجوز از ابن عباس، ابوبکر الزهری، بعض شیعه، ابو علی سینا،.....) پیرامون حروف مقطعه می‌پردازد و در پایان نظر خود را در ۹ سطر بیان می‌دارند.

۴-۲-۲- التهللیه در تفسیر کلمه توحید (لا اله الا الله)

یکی دیگر از آثار تفسیری غیاث‌الدین منصور، تفسیر کلامی وی در موضوع «لا اله الا الله» است. احادیث متعدد درباره «لا اله الا الله» و اهتمام ویژه مفسران در طول قرون متمادی، در شکل‌گیری و رشد تفاسیر کلامی و عرفانی «لا اله الا الله» تأثیر داشته است. بعضی از این تفاسیر به صورت رساله‌ای در تفسیر «لا اله الا الله» در آمده است. در بین مفسران فارس نیز رساله‌هایی در تفسیر کلمه توحید،

مشاهده می‌شود. در الذریعة آمده که به نام غیاث‌الدین منصور دشتکی نیز رساله‌ای در تفسیر کلمه توحید دیده شده است. (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۴، ۵۱۶) شایان ذکر است که در کتاب «مصنفات غیاث‌الدین منصور دشتکی»، رساله تهلیلیه در ذیل مجموعه مطلع العرفان بیان نشده و در بحث اعتقادی و کلامی به توحید پرداخته شده است. اما در کتاب ترجمه و تحقیق تحفه الفتی، رساله تهلیلیه در ذیل آثار تفسیری ذکر شده است. (دشتکی شیرازی، ۱۳۸۱، ۷۰) به هر حال مهم آنست که غیاث‌الدین منصور عبارت «تهلیلیه» را که عبارتی از قرآن به شمار می‌رود، تفسیر کرده است. ظاهراً رساله تهلیلیه نیز بخشی ناشناخته از مجموعه مطلع العرفان است.

۳-۲-۲- الحاشیه علی اوائل الکشاف

غیاث‌الدین منصور نیز در حوزه حاشیه نویسی تفسیری، چون پدر، اثری از خویش بر جای نهاده است. کتاب کشف زمخشری، توسط غیاث‌الدین حاشیه زده شده است. حاشیه غیاث‌الدین به نقل صاحب ذریعه، با این عبارت آغاز شده است: «کلام الله شاف الکروب و کشف کلامه الکریم لیس الا تعلیم علم الغیوب...» (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۶، ۴۶) در معرفی نسخه‌ای از این اثر آمده است: «حاشیه بر تفسیر کشف، که حواشی و تعلیقاتی بر تفسیر جارالله زمخشری است و قاضی نورالله شوشتری به آن اشاره کرده است. نسخه‌ای از این اثر در مجموعه شماره ۱۳۷۰۸ از موقوفات ابن خاتون در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی محفوظ است.» (شهیدی صالحی، ۱۳۸۱، ۱۹۸) احتمالاً این حاشیه نیز رساله‌ای از مجموعه مطلع العرفان بوده است.

۳- امیر صدرالدین محمد (فرزند غیاث‌الدین منصور)

۳-۱- زندگینامه

یکی دیگر از مفسران شیعی مدرسه تفسیری فارس، امیر صدرالدین محمد، فرزند غیاث‌الدین منصور است. امیر صدرالدین محمد ثانی، که با جد بزرگوارش همنام بود، همواره مورد توجه پدرش غیاث‌الدین بود. قاضی نورالله در این باره می‌نویسد: «حضرت میر را دو خلف ارجمند بود، یکی میر شرف‌الدین علی که اکبر و اورع و اتقی بود و دیگر میر صدرالدین محمد که اصغر واذکی و افهم و افضل بود، بنابر این التفات حضرت امیر به او بیشتر بود.» (شوشتری، ۱۳۷۷، ج ۲، ۲۳۲) وی را صاحب توبه نصوح خوانده‌اند.

تاریخ، حکایت از شرب خمر وی در مدت کوتاهی از جوانی دارد. خوانساری در این باره می‌نویسد: «لم يعهد من احد من الآحاد توبهً الى الله تعالى بمثل توبه هذا الرجل المؤيد من عند رب العباد.» (الموسوی الخوانساری، ۱۳۹۲، ج ۷، ۱۸۱) همین توبه و در پی آن توجه وافر وی به عبادت و ریاضت، در کنار تعالیم ارزشمند پدر، از او دانشمندی بزرگ ساخت که در طی درجات عالی علمی بر پدران خویش تاسی جسته علاوه بر آن، در نقل حدیث، صاحب اجازه ممتازی گشت که سند آن از طریق پدر و اجدادش به زید بن علی بن الحسین و از آنجا به امام سجاد (علیه‌السلام) می‌رسد. (الموسوی الخوانساری الاصبهانی، ۱۳۹۲، ج ۷، ۱۸۲؛ نک: حسینی فسائی، ۱۳۶۷، ج ۲، ۱۱۴۳) علمای امامیه برای میر صدر دوم شأن و مرتبت رفیعی قائل هستند و متن اجازه او را در روایت و اجتهاد ثبت کرده‌اند و برآنند که از مشایخ فقه و حدیث کمتر کسی چنین اجازه حاصل کرده است. (القمی، ۱۳۶۸، ج ۲، ۴۱۱؛ رک: حکمت، بی تا، ۱۴-۹) و سر انجام، رساله‌ای موسوم به الذکری، در مذمت خمر می‌نگارد. این رساله بنا بر تصریح خود مؤلف، در روز دوشنبه ۲۵ ربیع الاول سال ۹۶۱ در مدرسه منصوریه به اتمام رسیده است. پس از این تاریخ، از او اطلاعی در دست نیست. همین قدر نوشته‌اند که در اختلافاتی که بین شاه طهماسب و خان احمد گیلانی پدید آمده بود، صدرالدین محمد به جانب‌داری از خان احمد و سرپیچی از اوامر شاه متهم شد، لذا قصد جان او کردند. از این رو از شیراز به گیلان گریخت. (صفا، ۱۳۵۵، ج ۵، ۵۰۵-۵۰۴)

۲-۳- آثار تفسیری صدرالدین محمد ثانی

در بین آثار تفسیری صدرالدین محمد، یک اثر در تک نگاری تفسیری سوره، و دو اثر در تک نگاری تفسیری آیه مشاهده می‌شود. آقا بزرگ در «الذریعه» (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۳، ۱۵؛ ج ۱۲، ۱۹۲) و «طبقات اعلام شیعه» (آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۸، ج ۴، ۲۲۰)، به معرفی آثار این مفسر شیعی از مدرسه تفسیری فارس پرداخته است.

۱-۲-۳- «شافع حشر» تفسیر سوره حشر

شافع حشر، تک نگار تفسیری سوره مبارکه حشر است. آقای علی اصغر حکمت این رساله را با توجه به نسخه کتابخانه اختصاصی مرحوم مغفور حاجی سید نصرالله تقوی، به شماره ۶۸۶ اینچنین معرفی نموده است: «رساله "شافع حشر" بفارسی، بخط نستعلیق تحریری، در تفسیر سوره الحشر، و ابتدا می‌شود به

این عبارت: "سبح لله ما فی السموات والارض و هو العزيز الحکیم فتصفه بالجميل من الثناء على جهة التبجيل والتعظیم." پس از خطبه عربی شروع می‌شود به مقدمه فارسی به این عبارت: "بعد از تسبیح و تحمید صمدی مجید که افراد کائنات و انواع و اجناس موجودات را بدو ظهور ازوست..." و چنانکه در مقدمه به اختصار می‌گوید "که مفسر این کلام معجز نظام... ابو نصر صدر بن منصور بن صدر شرح الله صدره للاسلام، وقتی که دیده از ذروه اعتاب ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام منور بود با سر جمله دفتر فیض وجود و سر دفتر افاضل وجود... سمی حبیب الله نفسی فداؤه به این فقیر غریب زیادتی انس و مزید استیناسی داشت. بوجهی که چون توأمان امان مفارقت نبود... شبی در اثنای محاورات و مقاولات التماس فضل سخن در تفسیر سوره حشر از این بی بضاعت فرمود. .. بنا بوثوق تفسیر فارسی رجاء صادق بآنکه این رساله بل عجاله.. مشکور و مؤلفش مأجور باشد... و از این جهت آنرا باسم مبارک "شافع حشر" که از حروف آن عددی که موافق شماره تاریخ سال آغاز و انجام این کتاب است از روی حساب جمل جمال مینماید، مورخ و موسوم می‌سازد... و امید دارد که تفألاً و تیمناً چنان باشد و سnoch این اتفاق غرابتی تمام دارد، و اغرب آنکه تاریخ همین حساب و منوال از عبارت: "تاسع ماه مولود رسول" که اشارت بتاریخ ماه و روز هم شده بیرون می‌آید. و چون خاصه تاریخ سال فقط نیست خالی از لطافت نیست والله الموفق." « (تلخیص: حکمت، بی تا، ۱۲-۹) بنابراین تألیف کتاب در نهم ربیع الاول سنه ۹۵۹ در شهر مشهد مقدس واقع شده است و بعد در شیراز آن نسخه را پاکنویس کرده‌اند.

حکمت در ادامه معرفی نسخه می‌افزاید: «در آخر کتاب نیز با عبارتی چند به عربی اشارت به همین معنی می‌فرماید و می‌نویسد: "قال العبد الفقیر مؤلف الكتاب.. ابتدأت بتألیفه فی العشر الاخیر من محرم المکرم رأس سنه ۹۵۹ و قد جف قلمی عت ترضیعه فی اواخر العصر یوم الخمیس الذی بورک فیها - التاسع من شهر ربیع الاول من شهر السنه ۹۵۹، و فی هذالشهر ایضا تمت کتابته بالجد الفیاض و نقله من سواد المسوده الی ریاض دیباجته البیاض و هو هذالدستور المزبور بيمين المصنف الفانی - صدر الثاني - اوصله الله الی غایه الامانی، فی محروسه دارالملک شیراز فارس بالمدرسه الرفیعه العلیه المنصوریه - حفت بالانوار النوریه و بورکت فیها بالبرکات الطوریه و وفقت سدنتها و خزنتها و سکتتها بالترقیات المعنویه والصوریه و عمرت و قدمت الی حین النفخه الاخیره الصوریه. آمین - و لقد صار اسم الكتاب تاریخه المبنی عن بدو امره الی ان نفذ سطره. تاریخ و اسم این رساله شافع یوم حشر." انشاء کتاب متکلف و معقد و مسجع است به سبک منشآت عصر - و مبتنی بر فوائد و نکات ادبی و اخلاقی و مواعظ

و دعوات و در ضمن اشعار فارسی زیاد استشهاد شده است و روایات و احادیث بسیار در آن نقل کرده. «حکمت، بی تا، ۹-۱۲) پس تفسیر «شافع حشر» تفسیری اخلاقی به شمار می‌رود، که مؤلف در این راستا از ادبیات و اشعار فارسی و احادیث و روایات بهره گرفته است.

۲-۳- سفير العرشى فى تفسير آية الكرسي

علی اصغر حکمت این رساله را با توجه به نسخه کتابخانه اختصاصی مرحوم مغفور حاجی سید نصرالله تقوی، به شماره ۶۸۶ اینچنین معرفی نموده است: «کتابی است موسوم به "سفير العرشى فى تفسير آية الكرسي" به عربی. در مقدمه رساله خطبه طولانی مسجع و مقفی وارد شده است که با جمال و اختصار خلاصه از آن ذیلاً نوشته می‌شود: "الله لا اله الا هو الحى القيوم - نبهنا عن سنه شبه الاوهام والخيالات و ايقظنا عن رقدة نوم الافهام بالجهالات. .. و بعد فان عبدالله الغريب الفقير، ابا نصر محمد بن منصور - و هو بصدر الثانی شهير. .. يقول: - ان هذا ايها الاخ الصالح القدسي، ذرو من ذروة الكلام فى تفسير آية الكرسي. .. و ليعلم قاطبة اهل الصناعة انى بعد معادى الى معادى. .. لما تتبع الى بلدى الذى نيطت به عنى التمام و اول ارض مس جلدی تراها. فاتخذت شيراز ذى الاعواز دارا و مدارس الدوارس دارسا مدارس و مدارا - ففيتها درت مع الدهر كيفما دارا. .. التمس به منى بعض خالص الخلان ذوى الوفاء. ... و انى و ان كنت اذ ذاك فى عشر عشرين و لا ارانى فى هذه المكانة مكين - لكن بالفضل يعلم مراتب الرجال. ... ثم انى لما ختمته بختمه و تختيمه حصلته تحفة عند كل موصوف بعنصر انسى و روح روحى ملكى. و هو الولد الاعز الحفى المشكور. الامير غياث‌الدين منصور. ... فلعمري انه لهو الاهل الموهل له و اسمه ينادى بالاحسان لمن جهله. .. مسميا كتابى هذا "بسفير العرشى - فى تفسير آية الكرسي" موردا ما اردت ايراده فى جزوين يتجزى كل منها باحزاب. .." رساله به خط نسخ نوشته شده و سبک عبارت آن مسجع و مقفی و به روش منشآت زمان بسیار معقد و با اطناب است، تاریخ ندارد.» (حکمت، بی تا، ۱۱)

مؤلف، تفسیر خود بر آیه الكرسي را به دو جزء اول و ثانی تقسیم کرده، سپس هر جزء خود به چند حزب تقسیم شده است. او جزء اول را اختصاص به علوم ادبی و عربی داده است. جزء اول به چهار حزب تقسیم شده است. در این احزاب به اشتقاق لغوی کلمات آیه الكرسي و نیز بررسی این آیه شریفه از نقطه نظر معانی و بیان پرداخته است. در جزء دوم به طرح مباحث نقلی و عقلی مربوط به

این آیه شریفه می‌پردازد. او احادیثی در باب فضیلت آیه‌ الکرسی و نیز فضیلت کلمه توحید یعنی "لا إله إلاّ هو" می‌آورد. مؤلف در حزب سوم به اعراب آیه پرداخته است. و در حزب چهارم به مباحث معانی و بیان توجه کرده است. او می‌گوید: دو علم معانی و بیان اختصاص به قرآن کریم دارد همانگونه که زمخشری در کشاف مطرح کرده است. جزء دوم کتاب اختصاص دارد به تفسیر و تبیین آیه شریفه از منظر علوم نقلی و عقلی. و این جزء در چهار حزب تنظیم شده است. شایان ذکر است که صدرالدین محمد از تفسیر کشاف زمخشری و تفسیر قاضی بیضاوی و حاشیه بر تفسیر کشاف علامه سید شریف جرجانی و ... نیز بهره برده است. (دشتکی ثانی، ۱۳۸۸، ۳۰-۲۷)

نسخ موجود:

از این رساله چهار نسخه خطی به شرح ذیل موجود است: (رک: دشتکی ثانی، ۱۳۸۸، ۳۰)

- نسخه مجلس شورى، شماره: ۲/۵۷۸۴، تاریخ کتابت: ۰۰۹.
- نسخه مجلس شورى، شماره: ۱۰۰۲۱، تاریخ کتابت: ۱۶۹.
- نسخه کتابخانه مرعشى، شماره: ۷۷۹۰۱، تاریخ کتابت: ۹۸۰۱.
- نسخه مدرسه عالی شهید مطهری، شماره: ۱/۳۷۱۵، تاریخ کتابت: ۹۰۳۱.

۳-۲-۳- الذکری؛ رساله خمريّه در تفسیر آیه خمر(تفسیر آیات ۹۰ و ۹۱ سوره مائده)

امیر صدرالدین محمد رساله‌ای موسوم به الذکری، در مذمت خمر نگاشته و چنین نوشته است: «الی الشراب - و من شربه او شربه، خسر و خاب - عن الخمر، الرجس النجس الخبيث المخبث، الذی هو من عمل الشيطان و هو ابو الخبائث الموقع للعداوة و البغضاء و الطغيان، الضاد عن ذکر الله و عن الصلاة، المزيل للعقل الذی هو اصل الخيرات، الهادم للابدان، الهادم للاديان المقسم للارواح...» (الموسوی الخوانساری، ۱۳۹۲، ج ۷، ۱۸۲) سپس به زیبایی تمام و با شیوه‌ای لطیف به تفسیر آیات ۹۰ و ۹۱ سوره مائده پرداخته است. این رساله بنا بر تصریح خود مؤلف، در روز دوشنبه ۲۵ ربیع الاول سال ۹۶۱ در مدرسه منصوریه شیراز به اتمام رسیده است. (صفا، ۱۳۵۵، ج ۵، ۵۰۵ - ۵۰۴) از نوادر حالات صدرالدین محمد داستان توبه اوست که در آغاز شباب از برکت نصیحت پدر از شرب خمر تائب گشت به توبه نصح، که در کتب رجال تفصیل آن آمده است. و در پی آن رساله «حرمت خمر» موسوم به «الذکری» را تألیف نمود. در آن رساله از مسائل ادبی و مباحث عربی و حقائق حکمی و دقائق طبی و نوادر بسیار از

کلام و تفسیر و حدیث ایراد کرده، و قسمتی از آن را صاحب روضات الجنات عیناً نقل نموده است و کلمه «الذکری» بحساب جمل تاریخ تألیف آن است که مطابق با سال ۹۶۱ ه می‌شود. (حکمت، بی تا، ۱۳)

حکمت این رساله را با توجه به نسخه کتابخانه اختصاصی مرحوم مغفور حاجی سید نصرالله تقوی، به شماره ۶۸۶ اینچنین معرفی نموده است: «رساله خمربه موسوم به "الذکری" عبری، بخط تحریر که ظاهراً می‌نماید خط خود مؤلف باشد و شروع می‌شود به این عبارت: "استغفرالله العظیم الذی لاله الا هو و اتوب الیه و اسئله التوبه....." در مقدمه کتاب علت تألیف و سایر نکات مفیده را ذکر کرده که بطور خلاصه با حذف زوائد نقل می‌نمائیم:

"فان العبد المسرف الخاطی الجانی - ابا نصر محمد بن ناصر الشریعہ منصور بن محمد المشتہر بصدراالثانی، یقول انی لما رأیت اکثر اهل زمانی کالازمنه الماضیه مولعین منہمکین فی ہذا الشراب. ... اعنی الخمر الرجس النجس الخبیث المجنب الذی هو من عمل الشیطان. ... و اکثرهم یرومون تقلید بعض الناس فمن ادرکهم الابلیس الخناس بالوسواس اعنی الشعراء الذین یتبعهم الغاؤون. .. فقالوا بعض الاشعار من الخمریات. ... فاما تمتت فیها تمت العزم و اقترن بما عزمت المقصد الجزم خالج فی حلدی اولف رسالہ خالصہ لہذا الشأن. ... ثم الہمت بخاطر عنی بان افسر الآیہ المقررة فی تحریم الخمر. ... الواقعه فی سورہ المائدہ. ... مع ما یلی فی خاطری من الاخبار والآثار و خطر فی بالی البالی من روایات الابرار و ما ورد فیہ من الاحادیث و الاخبار. ... و بعد ذاک اوردت ما افردت لشأنه من العلوم الحقیقیہ والمسائل المهمہ الحکمیہ و ہا یتعلق بہذا المقصد من المعارف الخلقیہ و الخلقیہ و المطالب الطیبہ الطیبہ ثم انی بالخاتمہ للکتاب. ... سمیتہ " الذکری " لیکون الاسم مطابقاً للمسمى « ان فی ذلک لذکری لمن کان لہ قلب او القی السمع و هو شہید» و لما كانت الاسماء تنزل من السماء وجدت عدد حروف ذلک الاسم بحساب الجمل ما هو تاریخ تألیفہ (الذکری ۹۶۱) فانه جف المداد عن قلم المؤلف فی شہور سنہ احدی و ستین و تسعمائہ. ..."

در خاتمه کتاب در وصف آن و تاریخ آن بطور اختصار چنین آمده است:

"یقول مؤلف ہذا کتاب و هو صدر بن منصور بن صدر. ... الحمد لله علی تیسیر ہذا التفسیر. ... و انما اوردت فیہ من المسائل الادبیہ و العربیہ و الحقائق الفقہیہ و الکلامیہ و النصوص الالہیہ و النبویہ و الامامیہ و الفوائد الطیبہ الطیبہ و الحکم الایمانیہ و الیونانیہ و المعارف الفرقانیہ و البرہانیہ. ... و لختم

الرساله بخاتم الختم بمناجات من انشاء الاستاذ الوالد استاذ البشر و العقل الحدی عشر. ... و هو ختم بها تفسیره لسورة الانسان". ... جف عنها مداد مؤلفها و مالکها من النصف من لیلۃ ثلاثین من ربیع الاول سنه ۹۶۱ بالمدرسه المقدسه المنصوریه و نقلها من المسوده الی هذه الاوراق صدر نهار یوم الغدیر فی سنه ۹۶۲ الهجریه، و انا مؤلفه الغریب المهجور صدر بن منصور جعلهما الله علی النور " « (حکمت، بی تا، ۱۳ - ۱۱)

پس «رساله خمیه» سید صدرالدین ثانی را می‌توان تفسیری اخلاقی به شمار آورد که مؤلف محترم در این راستا از ادبیات عرب، حکمت، طب، کلام و حدیث بهره گرفته است. البته استفاده از دقائق طبی در تفسیر، در این خاندان امری طبیعی است؛ چرا که پدر سید صدرالدین، آثار و تألیفات در زمینه پزشکی داشته و در امر طبابت متبحر بوده و خود نیز از دقائق طبی در تفسیر سوره «هل اتی» بهره برده است.

۴- میرزا حسن فسائی

۱-۴- زندگینامه

یکی دیگر از مفسران خاندان شیعی دشتکی، میرزا حسن فسایی است. وی از نوادگان دختری سید علی خان کبیر (م. ۱۱۲۰ ق. شیراز) از نوادگان عمادالدین مسعود (م. ۹۵۵ - برادر غیاث‌الدین منصور دشتکی) است. (دشتکی شیرازی، ۱۳۸۱، ۳۳) میرزا حسن حسینی فسائی، مؤلف فارسنامه ناصری، از خاندان کهن سادات دشتکی است. و همانگونه که در مقدمه گذشت، جماعتی از افراد این خاندان که اکثر از اولاد سید علی خان بودند به فسا رفتند و در دهکده رونیز علیا و... سکونت گزیدند. از این دسته است پدر میرزا حسن حسینی فسائی که او نیز میرزا حسن نام داشت و در شیراز رشد کرد و به رونیز علیا رفت و در همانجا به سال ۱۲۳۷ درگذشت. میرزا حسن، خود شجره‌نامه خانوادگی خود را که به ۳۷ واسطه به حضرت علی بن ابیطالب (علیه السلام) می‌رسد به تحریر درآورده است. (حسینی فسائی، ۱۳۶۷، ج ۱، ۱۴ - ۱۳) «پدر میرزا حسن حسینی فسائی، "میرزا حسن"، نام داشت که آخرین فرزند میرزا مجدالدین محمد بود. مادر میرزا حسن، دختر حاجی محمد تقی تاجر شیرازی مشهور به آتشی است. میرزا حسن حسینی فسائی در سال ۱۲۳۷ در شهر فسا متولد شد اما پیش از تولد، پدر خود را از دست داد و مادر برای زنده نگهداشتن نام و یاد شوهر خویش، این آخرین فرزند خود را نیز «حسن» نامید ولی خود مادر نیز دیری نپائید و میرزا حسن تا ده سالگی در تحت سرپرستی مادربزرگ و سپس برادر ارشد خویش بالید و

کسب علم و ادب کرد تا آنجا که به قول مرحوم فرصت "... در فنون عربیه و حکمت الهی و ریاضی و طبیعی گوی سبقت از امثال و اقران، ربود..." « (حسینی فسائی، ۱۳۶۷، ج ۱، ۱۵ - ۱۴) شایان ذکر است که مادر میرزا حسن فسائی از زنان بسیار دانشمند و از خانواده‌های معروف شیراز بود. وی در زمره تعداد معدودی از زنان است که خوش نویس بوده و چندین جلد قرآن و زادالمعاد را با خط زیبای خود نوشته است. (مهرآز، ۱۳۴۸، ۳۷۶) میرزا حسن ابتدا در محضر ابوالحسن خان مجتهد مشهور به فسائی، مقدمات علوم را فرا گرفت و شرح هدایه میبیدی و شرح تجرید و معالم الاصول و مطول را در نزد وی خواند، سپس از میرزا محمد علی، مشهور به واحد العین کتاب مفاتیح را فرا گرفت و برای تکمیل معلومات خود، سفری به اصفهان کرد و به شیراز بازگشت و در محضر مرحوم حاج شیخ مهدی مجتهد کجوری مازندرانی، تلمذ کرده و علوم شرعی و کتب ریاضی را آموخت. میرزا حسن، در خدمت میرزا سید علی نیاز، علم طب را فرا گرفت. و مدتها در محضر حاجی میرزا بابا حکیم‌باشی اصفهانی، طرز معالجات را فرا گرفت و در سال ۱۲۷۹ سفری به تهران و یزد کرد و چون به شیراز بازآمد از سال ۱۲۸۰ هجری به معالجه بیماران پرداخت. و افرادی چون حاجی میرزا جعفر طیب، میرزا جلال‌الدین محمد ذهبی و میرزا احمد طیب و... از محضرش کسب علم نمودند. (حسینی فسائی، ۱۳۶۷، ۱۶) «فارسانامه ناصری»؛ «تفسیر حسن»؛ «تحفه احتشامی»؛ «نقشه مملکت فارس» از آثار بسیار ارزشمند ایشان است. (حسینی فسائی، ۱۳۶۷، ۳۵ - ۳۴) میرزا حسن روز یکشنبه دوازده رجب سال ۱۳۱۶ قمری در سن هفتاد و نه سالگی، در شیراز درگذشت. وی در جوار قبر جد بزرگوارش بانی و واقف مدرسه منصوریه، در همین مدرسه مدفون گشت و به اشاره مرحوم میرزا علی اصغر خان حکمت دخترزاده آن مرحوم، لوحی جدید در سال ۱۳۵۴ قمری برابر با ۱۳۱۴ شمسی بر قبر وی نهاده شد. (حسینی فسائی، ۱۳۶۷، ۳۲)

۲-۴- تفسیر حسن (حواشی القرآن)

میرزا حسن فسائی دارای تفسیری گران سنگ؛ معروف به تفسیر حسن می‌باشد. این تفسیر قرآنی است محشی که از تفاسیر اربعه ترتیب داده شده است. میرزا حسن، با این تفسیر ترتیبی کامل از کلام الله، نام خویش را در بین مفسران شیعی مدرسه تفسیری فارس ثبت نمود. ایشان درباره این تفسیر می‌نویسد: «در ماه شعبان ۱۲۸۳ در بلده بهبهان از ملا علی اصغر خوشنویس، خواهش نوشتن کلام الله مجید نموده، شروع در نوشتن فرمود، پس کتاب تفسیر مجمع البیان و تفسیر بیضاوی و تفسیر صافی و تفسیر

وجیز که معروفترین تفاسیرند، حاضر داشت، عبارات آنها را مختصر کرده، با یکدیگر الفت داده، در غره رمضان این سال، متعلقات تفسیریه سوره مبارکه الحمد را در حاشیه صفحه آن نگاشتم و تفصیل آن مؤلفات بر این وجه است که مشکلات اعرابی و صرفی و اشتقاقی و اختلاف قراءات و سند اختلاف میان هفت نفر قاری که هر یک مرضی خاطر عموم مسلمانانند مانند ابن کثیر مکی، نافع مدنی، عاصم کوفی و حمزه کوفی و کسائی کوفی و ابو عمر بصری و ابن عامر شامی و بعد از اختلاف قراءت، بیان صنایع معانی و بیانی و بدیعی، بعد حل مشکلات کلامیه ردا علی الاشاعره و المعتزله و بعد نزول آیات در شأن اهل بیت طاهرین (ع) به اجماع مسلمانان و چنانکه نگاشتم در روز غره رمضان، شروع در نوشتن حواشی بر کلام الله مجید شده و در روز هشتم ربیع دوم سنه ۱۲۸۴ به توفیق ایزد متعال به انجام رسانیدم و هیچ روزی را در سفر و حضر تعطیل ناکرده، اگرچه دو سه سطر نوشته شد. .. این قرآن در سال ۱۳۱۲ به چاپ رسیده است. (حسینی فسائی، ۱۳۶۷، ۳۴) این تفسیر در طبقات مفسران شیعه، تحت عنوان حواشی القرآن سید حسن فسائی نحوی معرفی شده است. (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۶-۱۳۷۱، ۸۱۳) و تصریح شده که سلاله الاطیاب؛ سید میرزا حسن فسائی نحوی، این تفسیر را از چهار تفسیر مورد اعتماد انتخاب و گزینش نموده است و منتخبات او در حاشیه قرآن معروف به قرآن حسن نگاشته آمده است. (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۶-۱۳۷۱، ۸۱۳) در ضمن مقاله «آثار مهم مورخان فارس در عصر ناصری» به تفسیر حسن اشاره کرده است. (قاسم پور، ۱۳۹۵، ۶)

۵- علی اصغر حکمت

۱-۵- زندگینامه

پنجمین مفسر از خاندان شیعی دشتکی، علی اصغر حکمت، نوه دختری میرزا حسن فسایی است. «شاید در دوران معاصر، هیچ یک از نام آوران فارسی به اندازه علی اصغر حکمت شیرازی، در پهنه ادب و فرهنگ و سیاست ایران زمین، صاحب نام نباشند. حکمت مردی بود جامع الاطراف، متقی، شاعر، ادیب، ایران دوست، با همت و پشتکار، دین دار و حافظ قرآن مجید، که سالها در دانشگاههای ایران به تدریس تاریخ ادیان و تفسیر قرآن اشتغال داشت.» (رستگار فسائی، ۱۳۸۵، ۴۵۱) «میرزا علی اصغر حکمت در بیست و سوم رمضان ۱۲۷۲ هجری خورشیدی برابر با ۱۳۱۰ ه ق در شیراز به دنیا آمد. پدرش، احمدعلی ملقب به حشمت الممالک از مستوفیان شیراز بود. مادرش فاطمه ملقب به احتجاب السلطنه، دختر حاج

میرزا حسن فسائی بود.» (برگرفته از رستگار فسائی، ۱۳۸۵، ۴۵۲ و ۴۵۴)

آقای حسن علی حکمت، در مورد زندگی استاد علی اصغر حکمت، مطالبی آورده است که به معرفی این فعال تفسیری شیعی کمک شایانی می‌نماید:

پدر علی اصغر حکمت، مرحوم میرزا احمد علی خان، فرزند حاج میرزا محمد حکیم باشی، فرزند حاج میرزا علی اکبر طبیب شیرازی بود و از جانب مادر، نواده سید منصور الدین شهید است که در مدرسه مشهور منصوریه شیراز مدفون است و بنا به نقل فارسنامه ناصری، سید منصور الدین، به سبب پیروی از آیین تشیع، شهید شد؛ و از جمله موقوفات مدرسه منصوریه شیراز که به نام او و مدفن اوست، خانه حضرت علی (علیه‌السلام) در مکه و چند باغ در طائف است. همچنین سید سند (مهدب‌الدوله) که در زمان طهماسب صفوی، سه سال صدارت ایران را داشت و سپس خود کناره‌گیری کرد، از اجداد این خاندان است که خاندان مهذب از اعقاب وی‌اند. نیای بزرگ حکمت، مرحوم سید علی خان کبیر، صاحب شرح صحیفه سجّادیه است، که از کتب و شروح مشهور و معتبر می‌باشد. حکمت، تحصیلات علوم قدیمه را در مدرسه منصوریه شیراز گذرانید و از محضر استادان و روحانیون و ادبای بزرگ آن روزگار در شیراز، بهره‌ها برگرفت و زبان و ادبیات فارسی و عربی را نیک بیاموخت. در همین ایام، یک ثلث از کلام الله مجید را به حفظ داشت و سپس که به تهران آمد، ثلثی دیگر از قرآن را به حافظه خویش سپرد و ثلث آخر را در هنگام ادامه تحصیل در پاریس، از بر نمود. در تهران، فقه و معقول را نزد مرحوم میرزا طاهر تنکابنی فرا گرفت و از کالج دکتر جردن، به اخذ دانشنامه نائل شد؛ سپس در سال ۱۲۹۷ ه. ش، به خدمت وزارت معارف درآمد و پس از چندی، به ریاست کل معارف رسید و در همان حال به تدریس ادامه می‌داد. خدمات او، بالاخص به معارف و فرهنگ کشور، برای کسانی که با دانش و ادب سروکار دارند، محتاج بیان نیست: احداث ده‌ها مؤسسه آموزشی از دانشگاه گرفته تا دبستان که در رأس آنها دانشگاه تهران قرار دارد، تجدید بنای آرامگاه‌های بزرگان علم و ادب نظیر سعدی، حافظ، ابن سینا، و .. تشکیل موزه ایران باستان، موزه مردم‌شناسی، فرهنگستان، دارالمعلمین عالی، موزه‌های آستان قدس رضوی و حضرت معصومه (ع) و تأسیس کتابخانه ملی و کتابخانه‌های دیگر در سطح کشور، احداث ورزشگاه‌هایی از قبیل ورزشگاه امجدیه و ده‌ها بنای فرهنگی و آموزشی دیگر، از جمله آثار کوشش این دانشمند بزرگ در توسعه علم و معرفت است. علاوه بر آثار و ابنیه علمی و آموزشی، حکمت، در نشر کتب علمی و معارف اسلامی، همتی زاید الوصف داشت. استاد حکمت، در توسعه معارف اسلامی، سعی بلیغ داشت.

درسی که در دانشگاه تدریس می‌فرمود، تاریخ ادیان بود که چندین جلد کتاب در این رشته تألیف و ترجمه نمود و مهمترین تفسیر عرفانی قرآن مجید؛ یعنی تفسیر کشف الاسرار خواجه عبد الله انصاری را که به چاپ نرسیده بود، با زحمت فراوان چند ساله، در ده مجلد به طبع رسانید که از مهمترین تفاسیر قرآن کریم به شمار می‌رود. کتاب امثال قرآن او نیز، نمونه ابتکاری از مطالعاتش بر کلام الهی است. و کتاب تاریخ قرآن او که متأسفانه به طبع نرسید، وسعت اطلاعات استاد را در علوم اسلامی نشان می‌دهد. حکمت علاوه بر نثر که بسیار خوش و سنجیده و دلپذیر می‌نوشت، در شعر نیز دست داشت و دو مجموعه شعری از او به نامهای «سخن حکمت» و «کلمات طبیات» به طبع رسیده است. میراث مادی حکمت پس از نود سال زندگی که بیش از ۶۰ سال آن را مصدر خدمات بزرگ علمی و فرهنگی بود، جز کتابخانه شخصی‌اش نبود که آن را در زمان حیات خویش، بین مؤسسه فرهنگی کتابخانه آستان قدس، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و موزه پارس شیراز تقسیم کرد. ایشان در شهریور ماه ۱۳۵۹، پس از چند ماه بیماری و تحمل رنج، به سرای جاوید شتافت و به جوار رحمت حق پیوست و پیکرش در جوار حرم حضرت عبد العظیم (ع) مدفون گشت. شایان ذکر است که حکمت با استناد به فرمایش امام ششم در خصوص پذیرش شغل در دربار، جهت کاهش ظلم ظالم، بیان می‌داشت: من هم این مشاغل را برای مقام و مال نخواسته‌ام و قصدم خدمت بوده است و بس. فی المثل اضافه بر آنچه در معارف خدمت کردم، در سفارت هند نیز، در بسط زبان فارسی کوشیدم و حتی در مدارس هند، به معلمی اشتغال ورزیده‌ام. چندین کتاب نوشتم و در رفع اختلاف بین شیعه و سنی، قدمهای مؤثر برداشتم و دولت هند را وادار کردم که در برابر تعصبات هندوها نسبت به مسلمانان، اقدامات اساسی روا دارد. و بدانید که دانشکده الهیات و علوم معقول و منقول، منحصر در اثر مساعی و معتقدات قلبی من تأسیس شد و نگذاشتم علوم دینی، که نتیجه مساعی علمای چندین قرن است، در محاق تعطیل و بوته فراموشی قرار گیرد و حکومت را که شدیداً در جو مخالف بود، در برابر عمل انجام شده قرار دادم و قس علی ذالک. و آلا از نظر مادی، زندگانی درویشانه من، احتیاج به قبول اینگونه مشاغل نداشته و ندارد. (حسینی فسایی، ۱۳۶۷، ج ۲، ۲۱۶۳ - ۲۱۶۶، ضمیمه)

۲-۵- آثار تفسیری علی اصغر حکمت

حکمت با دو اثر در تفسیر موضوعی، احیا و تصحیح تفسیر کشف الاسرار، چاپ سوره اعلی از ابن سینا (برای اولین بار)، سه مقاله تفسیری، تفسیر منظوم دو سوره، نام خویش را در بین مفسران مدرسه

تفسیری فارس ثبت نمود.

۱-۲-۵- امثال القرآن

یکی از آثار تفسیری حکمت، تفسیر موضوعی در حیطه امثال قرآن است. «علی اصغر حکمت، مؤلف محترم "امثال القرآن" یکی از نویسندگان و ادبا، واز پژوهندگان معارف قرآنی در قرن چهاردهم هجری می باشد. یکی از عناوین قابل عنایت و توجه در قرآن مجید، امثال و وجوه قرآن می باشد. خداوند متعال به کمک امثال رایج و مورد قبول، حقایق تربیتی و توحیدی را القا نموده است. هدف از توسل به امثال آن است که به کمک نظیره‌ها و همگونیها، لطایف و ظرایف نهفته به مخاطبین القا شود. و این نظیره گویی قرآن تاثیر فراوانی بر امثال ادبیات عرب گذاشته است. از اینرو پیرامون شرح و توضیح این مثلها، و در مقام تحلیل این تنظیمها، در بین قرآن پژوهان شیعه، آثار و تالیفاتی به وجود آمده است. حکمت، از نویسندگان سابقه دار کشور، و احیاکننده تفسیر عده‌الابرار و کشف الاسرار میبیدی است. قلم او از غنای ادبی سرشار می باشد. (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۶-۱۳۷۱، ۸۷۷-۸۷۶)

حکمت در مقدمه کتاب امثال القرآن تصریح کرده که این رساله مختصر، فصلی است مجمل از کتابی مفصل در تاریخ قرآن که چند سالی به تحقیق و تألیف و تدوین آن اشتغال داشته است. و آن را نعم-الاشتغال خود به شمار آورده است. وی فصل امثال کتاب مفصل را استخراج کرده و شرح و بسط داده و اقوال بسیار از آراء و عقاید صوفیه عظام و حکماء بزرگ و محققین عصر را بر آن افزوده است. این کتاب در پنج فصل مشتمل بر شرح و تاریخ و انواع سه گانه مثل؛ از داستانها و ضربالمثل و تمثیلات است و فصل آخر آن مخصوص تمثیلات مبارکه قرآنی می باشد، که در آن به پنجاه و سه تمثیل پرداخته است. و اقوال مفسران و صوفیان و اشعار شاعران را درباره آنها به تفصیل آورده است. (ر.ک: حکمت، ۱۳۶۱، ۱)

۲-۲-۵- تصحیح تفسیر کشف الأسرار و عده الأبرار

یکی از آثار بسیار مهم حکمت، تصحیح نسخه خطی «کشف الاسرار» است. البته آنچه این تلاش تفسیری را ارزشمندتر می نماید، اهتمام این دانشمند گرانقدر در کشف نسخه‌های خطی «کشف الاسرار» است. در این مورد آمده است: «مرحوم علی اصغر حکمت با کشف نسخه‌های خطی این تفسیر و اقدام به تصحیح آن، برای اولین بار در سال ۱۳۲۵ خدمت بزرگی به جهان اسلام کرد و این تفسیر را در ده جلد منتشر ساخت. میبیدی خود در معرفی این تفسیر می گوید: "تفسیر شیخ الاسلام ابی اسماعیل عبدالله بن

محمد الانصاری را مطالعه نموده و چون آن را در نهایت ایجاز و غایت اختصار دیده به بسط و تفصیل آن همت بسته و در سال ۵۲۰ ق این کتاب را تألیف نموده و آن را "کشف الاسرار و عدۀ الابرار نام نهادم". ظاهراً اصل تفسیر خواجه عبدالله در دسترس نیست و اگر تتبعی در مخازن خطی کتابخانه‌های بزرگ جهان از این کتاب صورت بگیرد دور نیست که نسخه یا نسخه‌هایی از آن یافته شود و از این رهگذر مشعلی نو فرا راه مشتاقان قرآن و عرفان قرار گیرد.» (زمانی، ۱۳۷۹، ۴۰) کشف الاسرار علی رغم ارزش دینی و بهای ادبی آن، بسیار دیر شناخته شده است. علی اصغر حکمت، به سال ۱۳۲۵، هنگام تدریس تاریخ علم تفسیر، با مراجعه به نوشته استوری از آن اطلاع حاصل کرده و به جمع آوری نسخ آن همت ورزیده است. کتاب، پس از جمع آوری نسخه‌های آن به همت ایشان مقابله و تصحیح شده و به سال ۱۳۳۱، اولین جلد آن منتشر، و دوره تفسیر کامل می‌گردد. تصحیح این تفسیر سرشار از نکات ادبی، اشعار فارسی و عربی، وقایع تاریخی، روایت واحادیث اقوال و گفتار مفسران، عالمان، حکیمان و عارفان است. تلاش مرحوم حکمت و دستیاران وی، که نسخه‌های خطی آن را از زوایای کتابخانه‌ها بیرون کشیده، در پیش دید دانش پژوهان نهاده‌اند، ستودنی است. (حوزه، ش ۲۵) شایان ذکر است که تصحیح و چاپ تفسیر بزرگ کشف الاسرار میبیدی، از مهمترین کارهای تحقیقاتی دانشگاهی بر تفاسیر قرآن مبین، در ادبیات معاصر ایران شمرده می‌شود. (رستگار فسائی، ۱۳۸۵، ۴۵۱) در طبقات مفسرین شیعه آمده است: «کشف الاسرار، تفسیری است بزرگ به زبان پارسی شیوا که به قلم شیرین رشیدالدین ابو الفضل میبیدی در ده مجلد به اهتمام علی اصغر حکمت گردآوری و چاپ شده است و مجموع صفحات آن ۶۴۹۷ است این کتاب براساس تفسیر بسیار مختصری است که خواجه عبد الله انصاری هروی دانشمند عارف مشرب حنبلی نوشته شده است. میبیدی به شرح و بسط آن پرداخته است و در تنظیم مطالب و مناسبت گویی نهایت ذوق و هنر خویش را نشان داده است.» (عقیقی بخشایشی، ۱۳۶۸، ش ۲۸، ۱۶۸)

۳-۲-۵- رسالۀ فی تفسیر سورۀ الاعلیٰ (از ابن سینا)

یکی از فعالیت‌های تفسیری حکمت، تلاش در چاپ تفسیر سوره اعلیٰ از ابن سینا است. در این رساله تفسیری هفت صفحه‌ای، آقای علی اصغر حکمت، به طبع تفسیر سوره اعلیٰ از ابن سینا به نقل از دو نسخه خطی اقدام کرده است. (حکمت، ۱۳۳۳، ۶۰ - ۵۴) و بنا به تصریح ایشان، این رساله در تفسیر سورۀ مبارکۀ الاعلیٰ، تا آن زمان هنوز به چاپ نرسیده بوده است. (حکمت، ۱۳۳۳، از ص ۵۰) پس آقای

علی اصغر حکمت، اولین شخصی است که به چاپ این اثر تفسیری از ابن سینا اقدام کرده است.

۴-۲-۵- مقاله «تفاسیر ابوعلی سینا از قرآن مجید»

یکی دیگر از آثار حکمت در حوزه تفسیر، مقاله‌ای در رابطه با تفاسیر ابن سینا است. گزارش مختصری از این مقاله (حکمت، ۱۳۳۴، ۵۳-۴۱) تقدیم می‌نماییم:

علی اصغر حکمت در ابتدای نوشتار، به عصر زندگی ابن سینا و سپس به معرفی تفاسیر فلسفی ایشان پرداخته است. حکمت تصریح می‌نماید که در آثار ابن سینا، تفاسیر آیات و یا عبارات قرآنی به کرات دیده می‌شود. و به تفسیر آیه نور در کتاب «الاشارات» و رساله «اثبات الثبوت و تأویل رموزهم و امثالهم» و یک بیت تفسیری عربی از ابن سینا استناد می‌نماید. و سپس تصریح می‌کند که ابن سینا علاوه بر استشهاد به آیات متفرقه و یا فقرات آیات، رساله‌های مستقلی نیز در تفسیر سور و آیات قرآن مجید دارد که هریک از آنها از لحاظ اثبات معانی و فهم مبادی شیخ، قیمت و ارزشی بسزا دارد. ایشان شش رساله تفسیری ابن سینا را که تا آن زمان، شناخته شده بود مورد بررسی قرار می‌دهد و تبیین می‌نماید که این رساله‌های کم حجم، که معمولاً از چند صفحه تجاوز نمی‌کند، از لحاظ معنا بسیار بزرگ و دارای مطالب ژرف و تحقیقات عمیق است و مؤلف حکیم بسیاری از حقائق و مبادی خود را در آنها مندرج ساخته است. وی تصریح نموده که از سرآغاز این رسائل متوجه می‌شویم که این رساله‌ها یا از تقریرات شیخ بوده است و بعضی از شاگردان، آنها را تلفیق و تدوین کرده و به رشته تحریر درآورده‌اند، یا چنانچه رسم متقدمین است نص عبارت شیخ را، کاتب رساله مصدر، اینگونه آورده است. رساله‌ها از این قرار است:

-رساله در تفسیر سورة التوحید یا سورة الاخلاص

-رساله در تفسیر سورة الناس

-رساله در تفسیر سورة الفلق

-رساله در تفسیر آیه «ثم استوی الی السماء و هی دخان» (فصلت ۱۱/۴۱)

-رساله در تفسیر سورة الاعلی

-رساله‌النیروزیه که آنرا رساله الحروف و در بعضی نسخ «رساله فی فواتح سور الکریم» نامیده‌اند.

حکمت در معرفی هر یک از رساله‌های تفسیری مذکور، در ابتدا به نسخه‌های مخطوط و وضعیت چاپ آنها اشاره کرده است. در معرفی رساله تفسیری توحید، تفسیرها و تأویل‌های وارد بر بعضی از کلمات این

رساله را آورده و پس از معرفی رساله تفسیری ناس و فلق به رساله تفسیری آیه «ثم استوی الی السماء» پرداخته و تصریح نموده که برخی این آیه را آیه دخان می‌نامند. وی بیان می‌دارد که گویا این رساله فصلی یا جزئی از کتابی دیگر بوده که اتفاقاً از آن جدا مانده و بعدها آنرا به صورت رساله مستقلی کتابت کرده‌اند. دربررسی و معرفی رساله تفسیری سوره مبارکه اعلی از رونوشت نسخه خطی موجود در کتابخانه مشهد که نزد ایشان بوده استفاده کرده و در ضمیمه مقاله به طبع رسانیده است. در معرفی رساله نیروزیه یا رساله اسرارالحروف تصریح می‌نماید که شیخ آنرا در ایام نوروز برای شخصی موسوم به «الشیخ الامیر السید ابو بکر بن محمد بن عبد الرحیم یا محمد بن عبید، یا محمد بن عبد الله»، تحریر نموده و به مخطوطات آن اشاره نموده و فصول آن را برشمرده است.

۵-۲-۵- کلمات طیبات

حکمت در کتاب «کلمات طیبات» (حکمت، ۱۳۵۴، کل کتاب) به تفسیر منظوم دو سوره از قرآن در قالب رباعی و غزل و مثنوی همت گماشته است. گزارشی از روش حکمت در این اثر تفسیری تقدیم می‌شود: ایشان در این کتاب، ابتدا به تفسیر منظوم کل سوره روم (حکمت، ۱۳۵۴، ۳۸ - ۱۰) و سوره لقمان (حکمت، ۱۳۵۴، ۵۷ - ۴۰) و آیه ۳۸ سوره ص پرداخته است. لازم به ذکر است که در تفسیر آیه ۳۸ سوره ص متأسفانه، با توجه به کتاب عهد عتیق، گناهی به داوود پیامبر (علیه السلام) نسبت داده شده، که مسلماً از اسرائیلیات است و ساحت داوود پیامبر (علیه السلام) از آن بری است. سپس ۴۰ حدیث از معصومین (علیهم السلام) را آورده و منظوم کرده (حکمت، ۱۳۵۴، ۶۵ - ۶۱) و سپس حاشیه ۴۰ حدیث را از آقای سید کاظم آقا شریعتمداری مقیم آستانه قم، که به خط شریف خود مرقوم نموده و نزد حکمت فرستاده، آورده است. (حکمت، ۱۳۵۴، ص ۹۶ - ۸۷) وی ۱۱۰ کلمه از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) را آورده و منظوم نموده است. (حکمت، ۱۳۵۴، ۱۳۹ - ۹۸) مناجاتی از صحیفه سجاده (حکمت، ۱۳۵۴، ۱۴۶ - ۱۴۳) و در ادامه قصه خضر (حکمت، ۱۳۵۴، ۱۴۷ - ۱۴۶) ذکر شده است. در فصل نهم سرگذشت آفرینش انسان، فرشته و آدمی، سقراط و یونانیان، دل و زبان ایزوپ آمده است و در فصل دهم، چهار قسمت از مزامیر (حکمت، ۱۳۵۴، مزمور ۱۲۱، ۱۰۰، ۳۲، ۲۳) و در فصل یازدهم، مناجات عیسی (حکمت، ۱۳۵۴، به نقل از انجیل لوقا باب یازدهم) و در ادامه تعالیم عیسی در قالب وعظ جبل (حکمت، ۱۳۵۴، به نقل از انجیل متی باب ۷/۶/۵) را منظوم آورده است. در آخرین فصل «عیسی بن مریم از دیدگاه اسلام» را با بیان آیات مرتبط سوره بقره (۸۷ و ۲۵۲ و ۱۳۶) و آل عمران (آیات ۵۰ - ۴۵) منظوم

کرده است. شایان ذکر است که وی نام کتاب را از آیه ۱۰ سوره فاطر؛ «الیه یصعد الکلم الطیب والعمل الصالح یرفعه» برگرفته است. شایان ذکر است که تفسیر منظوم سوره روم از آقای حکمت با عنوان «سوره روم» به صورت جداگانه نیز در ۱۸ صفحه به چاپ رسیده است. (حکمت، ۱۳۳۸، ۲۱-۴)

۶-۲-۵- حروف مقطعه قرآنی یا فواتح سور

حکمت در اثر تفسیری خود به نام «حروف مقطعه قرآنی»، به تفسیر موضوعی حروف مقطعه پرداخته است. (حکمت، ۱۳۳۱، کل کتاب) گزارشی از روش حکمت در این اثر تفسیری تقدیم می‌شود: حکمت در یازده صفحه به بیان نظرات مختلف پیرامون حروف مقطعه پرداخته و عقاید و آراء متقدمین و متأخرین را آورده است. وی نظرات تفاسیر و مفسران مختلف از جمله کشاف زمخشری، مجمع البیان شیخ طبرسی، تفسیر کبیر فخرالدین رازی، .. را بیان کرده است. همچنین نظرات مستشرقین از جمله تولدک و بوئر و گسن و هرشفلد و بوهل و اسپرنگر را ذکر کرده و مورد نقد و بررسی قرار داده است.

۷-۲-۵- معرفی سه رساله از سید صدر ثانی

مقاله دیگر حکمت، با عنوان «سه رساله از سید صدر ثانی» است. ایشان در این مقاله، به معرفی ۳ اثر تفسیری از سید صدر ثانی، فرزند غیاث‌الدین دشتکی پرداخته است. در مقدمه این مقاله چنین می‌آورد: «سلسله سادات دشتکی در شیراز که افراد برگزیده آن غالباً مهبط افکار عالیه حکمی و عرفانی و مرکز دائره فرهنگ و ادب بوده اند، و به دو زبان عربی و فارسی تألیفات بسیار دارند، از خاندان‌های معروف علم و ادب در عجم و عرب اند. نویسنده این سطور به حکم افتخار انتسابی که به این سلسله جلیله دارد همواره در جمع آوری آثار و منشآت ایشان جهد بلیغ نموده، علاوه بر آنچه خود به کد یمین و رنج بسیار به دست آورده، در کتابخانه‌های بزرگان نیز در مقام تفحص و در صدد تصفح برآمده و بنوا در کتب و مخطوطات ایشان برخورد کرده است. اینک سه رساله از آن جمله که هر یک دارای مطالب عالیه علمی و ادبی و محتوی بر تحقیقات و ارشادات بلیغه اخلاقی است و جا دارد که با قلم نور بر عارض حور نگاشته گردد، به خوانندگان این مجله شریفه معرفی می‌نماید...» (حکمت، بی تا، ۱۴ - ۹)

ایشان در کتابخانه اختصاصی مرحوم مغفور حاجی سید نصرالله تقوی به مجموعه ای مشتمل بر سه رساله خطی، از تألیفات السید صدرالدین محمد بن غیاث‌الدین منصورالدشتکی الشیرازی معروف به سید

صدر ثانی، دست یافته اند. شماره این مجموعه ۶۸۶ بوده است. آقای حکمت به اختصار به معرفی این سه رساله تفسیری همت گماشته است. (حکمت، بی تا، ۱۴ - ۹)

رساله اول: «شافع حشر»

علی اصغر حکمت، در این نوشتار، رساله «شافع حشر» را اینچنین معرفی و به اجمال روش شناسی کرده است: «رساله اول: موسوم است به "شافع حشر" بفارسی، بخط نستعلیق تحریری، در تفسیر سورة الحشر، وابتدا می شود به این عبارت: "سبح لله ما فی السموات والارض و هو العزیزالحکیم فتصفه بالجمیل من الثناء علی جهة التبجیل والتعظیم." انشاء کتاب متکلف و معقد و مسجع است به سبک منشآت عصر - و مبتنی بر فوائد و نکات ادبی و اخلاقی و مواعظ و دعوات و در ضمن اشعار فارسی زیاد استشهاد شده است و روایات و احادیث بسیار در آن نقل کرده. « (حکمت، بی تا، ۱۴ - ۹)

رساله دوم: «سفیرالعرشی فی تفسیر آیه الكرسی»

حکمت، رساله تفسیری مذکور را اینچنین به اجمال معرفی و تلخیص کرده است: «رساله دوم: کتابی است موسوم به -سفیرالعرشی فی تفسیر آیه الكرسی - به عربی. در مقدمه رساله خطبه طولانی مسجع و مقفی وارد شده است که باجمال و اختصار خلاصه از آن ذیلا نوشته می شود: "الله لا اله الا هو الحی القيوم - نهنا عن سنه شبه الاوهام والخیالات و ایقظنا عن رقدۀ نوم الافهام بالجهالات. .. و بعد فان عبدالله الغریب الفقیر، ابا نصر محمد بن منصور - و هو بصدر الثانی شهیر. .. یقول: -ان هذا ایها الاخ الصالح القدسی، ذرو من ذروة الکلام فی تفسیر آیه الكرسی. .. " وی بیان کرده که رساله به خط نسخ نوشته شده و سبک عبارت آن مسجع و مقفی و به روش منشآت زمان بسیار معقد و با اطناب است، تاریخ ندارد. « (حکمت، بی تا، ۱۴ - ۹)

رساله سوم: رساله خمیره؛ «الذکری»

حکمت اینچنین به معرفی و تلخیص این رساله تفسیری (تفسیر آیات ۹۰ و ۹۱ مائده) پرداخته است: «رساله سوم: رساله خمیره موسوم به «الذکری» بعربی، بخط تحریر که ظاهرا می نماید خط خود مؤلف باشد. و شروع می شود به این عبارت "استغفرالله العظیم الذی لا اله الا هو و اتوب الیه و اسئله التوبه...." « (حکمت، بی تا، ۱۴ - ۹)

شایان ذکر است که حکمت تصریح نموده که بسیاری از آثار لطیف و تصانیف شریف این سلسله علیه [دشتکی] در نزد وی موجود بوده است. (حکمت، ۱۳۳۸، ۱۴)

۸-۲-۵- دو نسخه خطی در باب علوم قرآنی از قرن ششم هجری

حکمت در مقاله «دو نسخه خطی در باب علوم قرآنی از قرن ششم هجری»، (حکمت، «دو نسخه خطی..»، بی تا، ص ۶۹ تا ۷۶)، دو نسخه خطی را به منظور معلوم کردن مؤلف آن مورد بررسی قرار داده است. نسخه اول در سال ۱۳۲۴ در شیراز به دست ایشان رسیده است. در پشت نسخه، تفسیر سمرقندی نوشته شده در حالی که در صفحه آخر کتاب به خط نسخ خوانا «لباب‌التفاسیر» ذکر شده است. ایشان با بررسی کامل جوانب مختلف نسخه و مؤلف آن، بر این عقیده هستند که تفسیر فوق الذکر، نه تنها تفسیر سمرقندی نیست (همانگونه که مرحوم شعاع صاحب نسخه تشخیص داده است) بلکه لباب‌التفاسیر است و مؤلف آن نیز یکی از بزرگان قضات و ظاهرا از سادات حسنی است.

نسخه دوم، نسخه کتاب «الغایة» است که در حدود سال ۱۳۱۸ ش در تهران خریداری شده است. و شرحی بر کتاب «الغایة فی القراءه» تألیف ابوبکر احمد بن الحسین بن مهران است. حکمت با بررسی نسخه و شواهد و قرائن موجود در آن، معتقد است که مؤلف هر دو نسخه، یک نفر است.

نتیجه

اهمیت و ضرورت شناخت میراث و تراث شیعه و جایگاه آن در تمدن‌سازی شیعی بر کسی پوشیده نیست. در بررسی زندگی و آثار مفسران مدرسه تفسیری فارس، با خاندانی شیعی آشنا شدیم. خاندان سادات دشتکی از قرن پنجم به شیراز آمده و فرزندان آنان در طی قرون بعدی، خانواده معروفی را در محله دشتک شیراز تشکیل داده اند. از طریق بازشناسی و روش‌شناسی آثار تفسیری پنج تن از بزرگان خاندان دشتکی، با رویکرد توصیفی تحلیلی با روش کتابخانه‌ای، تا حدود زیادی به نقش و سهم این خاندان در تفسیر شیعه، و منهج تفسیری ایشان دست یافتیم. خاندان دانشمند دشتکی، در کنار آثار و تألیفات فراوان خود در رشته‌های مختلف علمی، در زمینه تفسیر قرآن نیز بسیار فعالانه خوش درخشیده و از خود آثار گرانسنگی بر جای گذاشته‌اند. سه سید عالم و فرزانه؛ ابوالمعالی محمد صدرالدین ثالث فرزند ایشان غیاث‌الدین منصور دشتکی و امیر صدرالدین محمد، فرزند غیاث‌الدین، و دو اندیشمند قرن حاضر؛ میرزا حسن فسائی و علی اصغر حکمت، از احفاد و نوادگان این خاندان معظم، خدمات تفسیری ارزنده‌ای به جهان اسلام تقدیم کرده و و باعث افتخار و مباهات شیراز و استان فارس بوده‌اند. خاندان دشتکی شیراز، با ۵ مفسر و آثار تفسیری متعدد و متنوع، به جایگاه اول خاندان تفسیری فارس دست یافتند. ابوالمعالی

محمد صدرالدین، با حاشیه بر تفسیر کشاف، نام خویش را در بین مفسران مدرسه تفسیری فارس ثبت نمود. فرزندش غیاث‌الدین منصور نیز با تک نگار تفسیری یک سوره، دو اثر تک نگار تفسیری آیه، دو اثر تفسیر موضوعی و حاشیه بر تفسیر کشاف، یکی از مفسران شیعی بسیار فعال این مدرسه به شمار می‌رود. در بین آثار تفسیری صدرالدین محمد، فرزند غیاث‌الدین منصور، نیز یک اثر در تک نگاری تفسیری سوره، و دو اثر در تک نگاری تفسیری آیه مشاهده می‌شود. میرزا حسن فسائی دارای تفسیری گران سنگ؛ معروف به تفسیر حسن می‌باشد. این تفسیر قرآنی است محشی که از تفاسیر اربعه ترتیب داده شده است، و تفسیر ترتیبی کامل از کلام‌الله، می‌باشد. حکمت نیز با دو اثر در تفسیر موضوعی، احیا و تصحیح تفسیر کشف الاسرار، چاپ سوره اعلی از ابن سینا (برای اولین بار)، سه مقاله تفسیری، تفسیر منظوم دو سوره، نام خویش را در بین مفسران مدرسه تفسیری فارس ثبت نمود.

در آثار تفسیری این خاندان، تک نگاری‌های تفسیری سوره و آیه، همچنین حاشیه، تعلیق و تصحیح و چاپ نسخ خطی چشم‌نوازی می‌نماید. در رابطه با گرایش تفسیری مفسران این خاندان، مذاق فلسفی و عرفانی، ایشان را از ابعاد دیگری چون، تفسیر اخلاقی و کلامی و ادبی و علمی کتاب آسمانی غافل نکرده است. این بزرگان از جایگاه ویژه علمی و سیاسی و اجتماعی خود در هر دوره، جهت نشر و گسترش علوم مختلف اسلامی و از جمله تفسیر کلام الله مجید، نهایت بهره را برده‌اند.

در منهج تفسیری خاندان دشتکی، بهره‌گیری از موارد زیر مشهود است:

- بهره‌گیری از آیات و روایات
- بهره‌گیری از فلسفه، عرفان، اخلاق، کلام، ادبیات (فارسی، عربی)، دقائق طبی، ..
- بهره‌گیری از نظم و نثر
- بهره‌گیری از اقوال و آثار دیگر بزرگان

منابع

- آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن. (۱۴۰۳ ق.). **الذریعة الی تصانیف الشیعة**، چاپ سوم، بی جا: دارالاضواء.
- آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن (۱۴۰۸). **طبقات اعلام الشیعه**، تحقیق: علی نقی منزوی، قم: اسماعیلیان.
- الامین، السید محسن. (۱۴۰۳ ق.). **اعیان الشیعة**، تحقیق: حسن الامین، بی جا: دارالتعارف للمطبوعات.
- البابانی البغدادی، إسماعیل بن محمد أمین بن میر سلیم. (بی تا). **إيضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون**، تصحیح: محمد شرف الدین بالتقایا. بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی.
- پشتدار، علی محمد (۱۳۸۳). «**معرفی و ترجمه رساله‌ای در اعجاز قرآن**». مجله پیک نور، ۷: ص ۹۷-۸۱.
- حاجی خلیفه. (۱۹۴۱ م.). **کشف الظنون عن أسامی الکتب والفنون**. بغداد: مکتبه المثنی.
- حسینی فسائی، میرزا حسن. (۱۳۶۷). **فارسنامه ناصری**، تصحیح و تحشیه از منصور رستگارفسائی، ۲ جلد، تهران: امیرکبیر.
- الحسینی القمی، قاضی احمد بن شرف‌الدین الحسین. (۱۳۸۳). **خلاصه التواریخ**، به تصحیح احسان اشراقی. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- حکمت، علی اصغر. (۱۳۳۱). **حروف مقطعه قرآنیة یا فواتح سور**. تهران: نشریه مجله مهر.
- حکمت، علی اصغر. (۱۳۵۴). **کلمات طیبات، مجموعه منظومات از کتب آسمانی و سخنان قدسی**. تهران: انتشارات پیروز.
- حکمت، علی اصغر. (۱۳۶۱). **امثال قرآن، فصلی از تاریخ قرآن کریم**. چاپ دوم، تهران: بنیاد قرآن.
- حکمت، علی اصغر (۱۳۳۳). «**تفاسیر ابو علی سینا از قرآن مجید**». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال اول، شماره ۴: از صفحه ۵۰.
- حکمت، علی اصغر (بی تا). «**دو نسخه خطی درباب علوم قرآنیة از قرن ششم هجری**». مجله یادگار، شماره ششم: ص ۷۶-۶۹.
- حکمت، علی اصغر (۱۳۳۳). «**رساله فی تفسیر سورة الاعلی**». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال اول، شماره ۴: ص ۶۰-۵۴.

حکمت، علی اصغر (۱۳۳۸). «سوره روم». **مجله آموزش و پرورش «تعلیم و تربیت»**، دوره ۳۱، ش ۱: ص ۲۱-۴.

حکمت، علی اصغر (بی تا). «سه رساله از سید صدر ثانی». **مجله دانشکده ادبیات تهران**، سال اول، شماره ۱: ص ۱۴-۹.

حوزه (۱۳۶۷). «شناسائی برخی از تفاسیر عامه» قسمت دوم. **پایگاه اطلاع رسانی حوزه**، شماره ۲۵.

دشتکی ثانی، صدرالدین محمد بن غیاث الدین. (۱۳۸۸). «السفیر العرشى فى تفسیر آیه الكرسى»، علی رضا اصغری. **مجله آفاق نور**، شماره ۱۰: ص ۲۵ تا ۲۶۴.

دشتکی شیرازی، غیاث‌الدین منصور. (۱۳۸۱ ش). **تحفه الفتی فی تفسیر سوره هل اتی**، تحقیق از پروین بهار زاده. تهران: مرکز نشر میراث مکتوب.

رستگار فسائی، منصور. (۱۳۸۵). **خاک پارس**، مجموعه مقاله‌های تحقیقی درباره فارس و بزرگان آن. شیراز: انتشارات نوید.

زمانی، محمد حسن (۱۳۷۹). «نگاه و نقدی بر ترجمه‌های آهنگین و منظوم قرآن». **ترجمان وحی**، شماره ۸: ص ۶۲ تا ۳۲.

شاهرودی، عبدالوهاب. (۱۳۸۳). **ارغنون آسمانی، جستاری در قرآن، عرفان و تفاسیر عرفانی**. رشت: کتاب مبین.

شوشتری، قاضی نورالله. (۱۳۷۷). **مجالس المؤمنین**. تهران: کتابفروشی اسلامیه.

شهیدی صالحی، عبدالحسین. (۱۳۸۱). **تفسیر و تفاسیر شیعه**، قزوین: حدیث امروز.

صفه ذبیح‌الله. (۱۳۵۵). **تاریخ ادبیات ایران**، تلخیص از محمد ترابی. تهران: فردوس مجید.

عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم. (۱۳۷۶-۱۳۷۱). **طبقات مفسران شیعه**. قم: دفتر نشر نوید اسلام.

عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم. (۱۳۶۸). «مفسران نامدار قرآن عبدالرحیم». **مجله کیهان اندیشه**، شماره ۲۸: ص ۱۸۶-۱۵۲.

قاسم پور، صدیقه (۱۳۹۵). «آثار مهم مورخان فارس در عصر ناصری». **تحقیقات جدید در علوم انسانی**، سال دوم، شماره سوم پیاپی: ص ۱۲-۱.

القمی، عباس. (۱۳۶۸). **الکنی واللقاب**، طهران: منشورات مکتبه الصدر.

کحاله، عمر رضا. (بی تا). **معجم المؤلفین**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

- مدرس تبریزی، میرزا محمد علی. (۱۳۷۴). **ریحانۃ الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة او اللقب**. تهران: انتشارات خیام.
- معارف، زهره. (۱۳۹۸ ش). **تفسیر و مفسران مدرسه تفسیری استان فارس**. شیراز: سیوند (با همکاری بنیاد فارس شناسی).
- الموسوی الخوانساری الاصبهانی، میرزا محمد باقر. (۱۳۹۲). **روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات**، تحقیق اسدالله اسماعیلیان. قم: چاپخانه مهر استوار.
- مهرز، رحمت الله. (۱۳۴۸). **بزرگان شیراز**. تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
- نورانی، عبدالله. (۱۳۸۶). **مصنفات غیاث‌الدین منصور حسینی دشتکی شیرازی**. دانشگاه تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.